

ضمیمهٔ کتاب

علم النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی

تأثیر وضعیت فیزیولوژیک بدن بر محتوای شناختی ذهن



ضمیمه تکمیلی فصل ۳ و ۴: تأثیر وضعیت فیزیولوژیک بدن بر محتوای شناختی ذهن

تأثیر وضعیت فیزیولوژیک بدن بر محتوای شناختی ذهن، یکی از پیچیده‌ترین مباحث در علم النفس و روان‌شناسی است. در نظریات ابن‌سینا و فارابی، رؤیا نه صرفاً به عنوان یک پدیده متافیزیکی، بلکه به مثابه یک فرآیند «روان‌تنی» (Psychosomatic) تحلیل می‌شود. به عبارت دیگر، بدن و مزاج به عنوان خاستگاه اصلی تکانه‌ها عمل کرده و قوه متخیله نقش واسطه‌ای را برای تبدیل نیازهای زیستی به تصاویر ذهنی ایفا می‌کند. اهمیت نظریه ابن‌سینا و فارابی در آن جاست که قرن‌ها پیش از شکل‌گیری آزمایشگاه‌های روان‌شناسی در غرب، مکانیسم دقیق تبدیل نیاز بیولوژیک به بازنمایی روانی را تشریح کرده است. این حکما با دقت نظر علمی، نشان داده‌اند که چگونه انباشت مواد در بدن یا عدم تعادل مزاجی (نظیر گرسنگی یا فشار جنسی)، سیستم روانی را برای بازگرداندن تعادل فعال می‌سازد؛ فرآیندی که امروزه در فیزیولوژی تحت عنوان تلاش برای حفظ هموستازی شناخته می‌شود.

۱. **زیگموند فروید (Sigmund Freud):** اساس استدلال ابن‌سینا مبنی بر اینکه ریشه رؤیا در تغییرات مزاجی بدن نهفته است، کاملاً با مفهوم فرویدی «منابع جسمانی رؤیا» منطبق است. فروید معتقد بود که تحریکات فیزیولوژیک درونی، مانند تغییرات هورمونی یا انقباضات احشایی، منبع اصلی تولید انرژی روانی یا لیبیدو (Libido) هستند که به دستگاه روانی فشار می‌آورند. عملکرد قوه متخیله در نظریه ابن‌سینا که بلافاصله پس از احساس نیاز جسمانی، تصویری از ارضاء (مثل غذا یا معشوق) را می‌سازد، تبیین‌کننده دقیق مکانیسم «تحقق آرزو» در نظریه فروید است. در این فرآیند، دستگاه روانی (معادل نهاد یا Id در نظریه فروید) که توانایی تمایز میان واقعیت و خیال را ندارد، از طریق فرآیند اولیه دست به کار می‌شود؛ یعنی به جای جست‌وجوی واقعی غذا یا جفت، تصویری توهمی از آن‌ها را ایجاد می‌کند تا تنش حاصل از غریزه را فوراً تخلیه نماید.

۲. **هنری موری (Henry Murray):** دیدگاه مطرح‌شده در متن که موتور محرک قوه خیال را نیازهای زیستی (دفع منی یا گرسنگی) می‌داند، بازتابی دقیق از اولویت «نیازهای تنی / احشایی» در نظریه شخصیت هنری موری است. موری با تفکیک نیازها به اولیه و ثانویه، تأکید داشت که نیازهای برخاسته از بافت‌های بدن، دارای ویژگی غلبه هستند؛ بدین معنا که اگر این نیازها فعال شوند، بر تمام سیستم شناختی و ادراکی فرد مسلط شده و آن‌ها را در خدمت خود می‌گیرند. توصیف ابن‌سینا از اینکه چگونه گرسنگی باعث می‌شود متخیله فقط «از خوردنی‌ها حکایت کند»، مصداق بارز مفهوم «دریافت موضوعی» (Thematic Apperception) در روان‌شناسی موری است. در این حالت، نیاز درونی چنان قدرتمند است که «دریافت» فرد از جهان (حتی جهان خواب) را سازمان‌دهی می‌کند و محتوای ذهن را مجبور می‌کند تا در راستای کاهش تنش آن نیاز خاص، داستان‌سازی و تصویرسازی کند.

۳. **کنراد لورنز (Konrad Lorenz):** ساختار مکانیکی توصیف‌شده در متن، که در آن ماده‌ای در بدن تجمع می‌یابد و سپس برای دفع به سیستم فشار می‌آورد، مشابه مدل هیدرولیک غریزه (Hydraulic Model of Instinct) در اتولوژی لورنز است. لورنز معتقد بود که انرژی غریزی به صورت مداوم در سیستم عصبی تولید و ذخیره می‌شود که او آن را «انرژی ویژه عمل» نامید. تطابق متن با این نظریه در آنجاست که ابن‌سینا اشاره می‌کند وقتی این قوه به حرکت در می‌آید (فشار مخزن بالا می‌رود)، حتی بدون وجود محرک بیرونی واقعی، عمل تخلیه باید صورت گیرد. این پدیده در نظریه لورنز با مفاهیم «کاهش آستانه تحریک» و «فعالیت در خلأ» توضیح داده می‌شود؛ یعنی فشار انرژی انباشته‌شده چنان زیاد است که سیستم عصبی (متخیله)، الگوی رفتاری غریزی را در نبود جفت یا غذای واقعی، به صورت خودجوش در خواب اجرا می‌کند تا سیستم تخلیه شود.

۴. **کلارک هال (Clark Hull):** نظریه ابن‌سینا، بنیادی‌ترین اصول نظریه یادگیری و انگیزش او، یعنی «نظریه کاهش‌کشاننده» را تداعی می‌کند. در نگاه علمی هال، عدم تعادل فیزیولوژیک که ابن‌سینا آن را تغییر مزاج بدن می‌نامد، باعث بر هم خوردن هموستازی یا تعادل حیاتی بدن می‌شود. این عدم تعادل، یک حالت تنش‌زای درونی به نام «کشاننده» (Drive) ایجاد می‌کند که ارگانیسم را هل می‌دهد تا رفتاری برای رفع آن انجام دهد. فرآیند خواب‌دیدن و تصویرسازی متخیله، همان رفتاری است که سیستم برای کاهش‌کشاننده (گرسنگی یا فشار جنسی) اتخاذ می‌کند. هدف نهایی در هر دو سیستم (نظریه ابن‌سینا و هال)، بازگشت بدن به حالت تعادل و آرامش پس از ارضای نیاز است.